

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
The Growth of Empty Space in the Architectural Anatomy of Tehran
Houses (From Late Qajar Period to the Beginning of the Islamic Republic)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

سیر بالندگی و رشد فضای تهی در کالبدشناسی معماری خانه‌های تهران (اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی)

علی عسگری^{۱*}، وحید فدایی مهربانی^۲، راضیه فتحی^۳

۱. گروه معماری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهرری، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

چکیده

کیفیت فضایی یکی از شاخصه‌های معماری فضاگرای ایرانی است که به‌مانند میراثی از معماران گذشته نسل به نسل ادامه یافته و در معماری هر عصر متناسب با نیازمندی‌های آن، توسعه و گسترش یافته است. این سیر تحول از اواخر دوره قاجار تا اوایل دوره جمهوری اسلامی، دارای رویه متفاوتی شده که متناسب با دیگر وجوه تغییر یافته این دوران، قابل بحث و ریشه‌یابی است. این مسئله زمانی حائز اهمیت است که معماران این عصر به سبب سیاست، طبع فرهنگی و رویه آموزش در جهت رشد خلاقیت از معماری وارداتی الگو گرفته باشند و چنین موضوعی را نیز کتمان نمی‌کردند، اما تجربیات زندگی در فضای پیشین موجب پیوستگی پنهانی در این دوره نسبت به دوران قبلی شده است.

این پژوهش در صدد فهم آن است که فضای تهی تا چه میزان در کیفیت فضاهای ساختمان‌های مسکونی و اقامتی معاصر تهران مؤثر بوده و در طراحی این مهم مورد توجه قرار می‌گرفته است و این موضوع چه تغییراتی در پیکره نظام طراحی از اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی سپری کرده است؟ از این حیث این پژوهش با ماهیتی کیفی از راهبرد تفسیری - تاریخی بهره گرفته و با تأکید بر قراین معرف و استنباطی، بر پایه پردازش اسناد تصویری و برداشت شده از ابنیه مستعد و شناخته شده در محدوده تهران پهلوی برآمده و جهت افزایش روایی پژوهش پس از تخمین اولیه روند تغییرات، از همپوشانی اسناد ثانویه و مشاهدات میدانی از ساختمان‌های موجود به آزمون یافته‌های آغازین می‌پردازد.

در ادبیات پردازش حجم کالبدی، فضای تهی در مراحل طراحی حجم و توده به‌مانند حیاط‌های خانه‌های سنتی، به‌مثابه یک توده عمل نمی‌کند بلکه در روند فضای کالبدی ساختمان‌های مسکونی دوران تحول، رفته‌رفته از یک فضای پیوسته به لکه‌هایی در پلان، تغییرات و تخلخلی در نما و در نهایت حجم کلی بنا به‌واسطه سیستم‌های سازه‌ای و جسارت عمل معماران ورود می‌یابد.

واژگان کلیدی: معماری معاصر، معماری خانه، معماری کیفیت‌گرا، فضای تهی، تهران.

مقدمه

طراحی خود داشته، ایده‌هایش را در نمود صور فضایی یا کالبدی‌های کیفی با حفظ قواعد پیچیده و قانونمندی پیشینیان خود رعایت می‌کرده است. آنچه به‌اختصار «تبدیل ایده‌ها به صور فضایی» نام گرفته، خلاقیت‌هایی از جنس خود را تجربه داشته و این موضوع در ظرف کارکردی مسکن نیز قابل‌رؤیت و مشاهده است. میرمیران بر این باور بود که معماری قاجاری اصول، مبانی و الگوهای قدیم را در عین نوآوری ارتقا بخشید و تکامل این موضوع تا حدودی منجر به تنزل مباحثی همچون اندازه‌ها، شکل‌ها، تناسبات و

معماری ایرانی، در تعامل سنت و مدرنیته، چهارچوب‌های مختلفی در فرایند طراحی را تجربه می‌کند. این موضوع در حوزه طراحی دوران معاصر در دو مصداق معمار سنتی و معمار مدرن رخ‌نمایی کرده است. اما پرواضح است که این حوزه را می‌توان در تغییرات تدریجی و رقابتی آثار مختلف مشاهده کرد. به بیان صادقی‌پی (۱۳۸۹، ۴۸) معمار سنتی اگرچه اختیارات محدودتری در روند

توده‌ها، خود دربرگیرنده فضاهای خالی متنوعی هستند که در خلال جداره‌های عینی و ذهنی قابل مشاهده است. نوع فضاها به بیان جداره‌های ذهنی و تناسبات آن‌ها قابل مشاهده (حائری، ۱۳۸۸) و توجه و در نگاهی کالبدشناسانه حائز ارزش و بررسی است.

در پژوهش‌های معمارانه پیرامون کانسپت، قلمداد از منابع اولیه و ثانویه می‌تواند به تأثیرگذاری معماری بر معمار و ساخت آثار نو تعمیم یابد. این مهم که در بیان جفری برادبنت «معماری شمالی» بیان شده، خود حالات و احوالات آگاهانه و ناآگاهانه قابل تفکیک دارد (لازیو، ۱۳۸۸، ۱۴۴-۱۴۷) و این موضوع خاص یک کشور نبوده و در طریقه‌های مختلف از یک سرمشق تا الهامی پنهان در روند طراحی معماران از قرن نوزدهم مورد توجه است (قبادیان، ۱۳۹۲، ۱۷۰) و نگاه به معماری‌های متأخر از معماری صفوی و قاجار می‌تواند تجربیات طراحی متأثر از معماری گذشته خود قلمداد شود.

از جستارهای علمی و فلسفی این گونه برمی‌آید که فضا بیشتر امری ذهنی است تا عینی. ادراک شخصی و تجربه فردی فضا مؤید آن است که فضا خود شیء و یا کالبد نبوده بلکه رابطه میان آن‌ها را تفسیر می‌کند.

ذهنیت یک فضا به مانند روح بخشیدن به آن متأثر از ایده‌هایی است که نظر طراح را جلب نموده و فارغ از عینیتی که موضوع ساختمان داشته، فضا را از یک سرپناه تعالی بخشیده و به موضوعی مانند خانه ارتقا می‌بخشد (میلر، ۱۳۸۷، ۴۶). این موضوع معطوف به بازی فرم نبوده و در شکل‌گیری فضاها، قالب‌گیری، توزیع، ترکیب و تداخل، ریخت‌شناسی و ... نمود می‌یابد. شکل فضا و خصوصیات آن نیز قاعدتاً به عناصر سازنده آن و نوع سازمان‌دهی و رابطه این عناصر وابسته است. فضا از طریق این عناصر می‌تواند ساکن، پویا و یا فراخ و تنگ باشد و تغییر در این مشخصه‌ها، کیفیت فضا را نیز تغییر می‌دهد. همچنین حضور انسان، نور و غیره نیز در تأثیرگذاری و تعریف فضا نقش دارد (اعرابی، ۱۳۹۷، ۴۵). از این رو می‌توان چنین قلمداد کرد که فهم یک فضا متأثر از حضور و استوار بر ذهنیت آن است و این موضوع با همپوشانی دیدگاه‌های پدیدارشناسانه می‌تواند در ابعاد گسترده‌تری از ادراک نیز استمرار یابد که در پژوهش حاضر به دلیل عدم جامعیت تحقق‌پذیری، موضوع در سطح بصری محدود شده است.

آنچه پیرامون فضای تهی در ادبیات این نوشتار معنا یافته، تا حدودی متأثر از تعبیری است که در آموزش مدرن نمود می‌یابد و به بیان آرنهایم، «با افزایش فاصله میان بناها، تراکم فضاهای میانی کاهش می‌یابد و گاه به کلی از بین می‌رود. در چنین وضعی می‌توان گفت که فضای میان آن‌ها تهی (خلأ) است» (آرنهایم، ۱۳۸۸، ۳۳).

همچنین فضای تهی در تعبیر پدیدارشناسانه و عرفانی متأثر از

تزئینات نسبت به معماری دوره‌های پیشین به خصوص دوره صفوی گشت (صادقی، اخلاصی و کامل نیا، ۱۳۹۷، ۱۴). در این میان دوره قاجار صرف‌نظر از تمامیت تغییرات فرهنگی خود، نسبت به دوران پهلوی ذاتی سنتی‌تر داشته و تغییرات این موضوع در نحله‌های فکری پدیدآمده در دوران پهلوی که بستر ساز حیات جدید آن‌ها بوده، اهمیت بسیاری یافت (تصویر ۱).

تلقی از معماری به‌عنوان قابی برای فعالیت‌های زندگی و هدایتگر جریان آن، بیانگری از رویدادها و مؤلفه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر از زندگی است (وینترز، ۱۳۹۶، ۲۱۷) و زندگی دوران معاصر با توجه به رابطه دوسویه بر ساختار ظرف و مظهری معماری به‌واسطه شیوه زیست و ارتباط فرهنگ ساخت اجتماعی انسان، هویتی بیانگر ارزش‌های حاکم، تبیین‌کننده ارزش‌های تمایلاتی و آشکار ساز عوامل هویت فرهنگی پدیدآورندگان خود را دارا است که تعلق یا عدم تعلق به آن اثراتی دارا یا تهی از هویت را ایجاد می‌نماید (بمانیان، غلامی رستم و رحمت‌پناه، ۱۳۸۹، ۵۷) و طبیعتاً سیاست‌های حاکمان دوره قاجار و پهلوی و نوع ارتباطات ایشان در این دوره با کشورهای مختلف، بستر ساز تفکرات متنوع، متضاد و متقابل بسیار زیادی در عرصه فرهنگ شده است و به طبع آن در جریان رابطه یابی معماری و فرهنگ می‌توان بیان نمود که این موضوع خود بر ظواهر و کالدها و حتی عملکرد فضاهای معماری در این دوره متکی است (عسگری و محمدی سالک، ۱۴۰۰، ۱۲۰).

روند تغییرات آنچه بنیان‌های ذهنی و رویدادهای متکثر دوران معاصر نامیده می‌شود بر فرهنگ معاصر از بستر سنتی قاجاری تا نگاه پست‌مدرنیسمی نیمه دوم پهلوی، چنان سرعتی داشته که ضمن تغییرات، فرصت نگاه انتقادی به خود نیافته و به نظر می‌رسد که مجراهای نقد و بررسی این ابنیه در ریخت‌شناسی فرایندهای پژوهشی بر بستر مطالعاتی خود، هنوز گونه‌های مختلفی را می‌طلبد که تولد نیافته‌اند و بسیاری از نگاه‌ها بر این دوره صرفاً به نظاره‌های تحسین برانگیز و یا حتی نگرش‌های کاملاً فرم‌شناسانه محدود شده است. در این ادبیات، معماری موجود در ابنیه ساختمانی با نام توده خطاب شده است. در حالی که این



تصویر ۱. بررسی ویژگی‌های معماری دوران قاجار. مأخذ: نگارندگان.

بخشی به فضاهای مثبت و منفی بخشیده است.

هدف پژوهش یافتن رویکرد و نقش معماران در نمایش و بازآفرینی فضای تهی در کیفیت کالبدی ساختمان‌های مسکونی ایران بوده و با توجه به اینکه این موضوع خود دربرگیرنده ایده‌های پنهان و آشکار، اذهان فرایندگرا و یا تجربه‌گرا، کلی یا جزئی و یا حتی متأثر یا تأثیرگذار بر بستر معماران گذشته بوده و غیرقابل پافشاری است، جهت رفع ابهام به ارائه تخمین و آزمون فرض پرداخته تا بتواند پاسخ مستحکم‌تری نسبت به آنچه در فرایند تحقیق ادراک شده، نمایش دهد.

روش تحقیق

این پژوهش با التفات به مؤلفه‌های اثرگذار و تفکرات معماران ایرانی در دوران معاصر دارای ذات بنیادی بوده ولیکن به جهت امکان بخشی بهره‌گیری از نتایج تحقیق در زمینه طراحی معاصر و استمرار راهکارها به منظور تقویت هویت طراحی معماران، پژوهشی کاربردی و عملی است. از حیث روند پژوهش، تحقیق در پارادایم کیفی با روش تفسیری-تاریخی منجر به کاوش فضاهای موجود یا از دست رفته شده و به منظور شناخت قواعد طراحی وابسته به ابزار تخمین است.

این پژوهش به جهت وابستگی به پردازش رویدادهایی که در گذشته رخ داده و روند تأثیر از تاریخ با پیش فرض نگرش هگل^۱ بر تاریخ، مشابهت‌یابی روح آثار را وابسته به تغییرات فرهنگی و اجتماعی دانسته (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۳، ۷۷) و در مرحله شناسایی، سازمان‌دهی و تحلیل قراین جمع‌آوری شده از اسناد ساختمان‌ها که متأثر از تصاویر و نقشه‌های برداشت شده از آن‌ها پیش از تخریب یا امکان مشاهده آثار در زمان نگارش مقاله بوده، اقدام به تجرید فضاهای کالبدی کرده است.

سیر و طریق نمونه‌گیری در این تحقیق در دو مرحله انجام می‌پذیرد. منطق نمونه‌گیری در نخستین مرحله با توجه به «انطباق بر خط زمان بحث»، «داشتن فضای تهی»، «برخورداری از اطلاعات دقیق و مستند پیرامون بنا»، «کاربری مسکونی» و «سلامت ساختمان از جنبه تغییرات تا زمان مستند نگاری» و در سه بازه زمانی «اواخر قاجار تا اوایل پهلوی»، «اوایل پهلوی تا اوایل پهلوی دوم» و «اواخر پهلوی دوم تا جمهوری اسلامی» است. در نهایت با انجام نمونه‌گیری دوم به شش خانه مسکونی برتر دست یافته که از جهت برخورداری از موضوع مورد بحث که وجود فضای تهی در کالبدشناسی توده هست، دارای بیشترین تنوع در دوران خود باشند و این نمونه‌ها را به شیوه مطالعه موردی، تحلیل مجدد می‌کند.

مبانی نظری

در فرهنگ لغوی عمید، فضا بخشی از جهان سه‌بعدی بی‌کران

معماری ایرانی و اسلامی نیز جایگاهی دارد که بخش تکمیل‌کننده تعبیر قبلی به شمار می‌رود. در این تعریف، فضای تهی، در معماری و شهر سنتی، در تعیین ساختاری و مفهومی فضا نقش اصلی را ایفا می‌کند و عامل ارتباط، پیوند و اتصال میان سایر فضاهاست. به بیان دیگر می‌توان چنین گفت که فضای تهی یکی از عوامل وحدت‌بخش معماری ایرانی به شمار می‌رود (ظفرنویسی، ۱۳۹۶، ۷۱).

معماری دوران تحول به‌مانند معماری گذشته، سرشار از مفاهیمی آمیخته از فرهنگ، عقاید، محیط و بسیاری از مسائل دیگر است که در کالبدی نهایی انسجام یافته و با توجه به نیازهای ساکنین به نسل‌های بعد انتقال می‌یابد (مهدوی‌نژاد، منصورپور و هادیان‌پور، ۱۳۹۳، ۴۵). رکن اساسی این پژوهش مبتنی بر توجه به معماری‌های مسکونی دوران تحول به‌عنوان طراحی‌های باکیفیت و دارای نگاه‌های خردگراست. از این‌رو پژوهش حاضر با توجه به اینکه، حلقه‌ای از اندیشه‌های تحولات فرهنگی، سیاسی و آموزشی را در جریان‌ات طراحی خود داراست و به سبب فراگیری ذهنی از جریان‌ات معماری ماقبل و تلاش مشهود آن در بازشناسی و باززنده‌سازی فضاهای کیفی گذشته و در نهایت به دلیل کیفیت و شناخت آن در معماری ایرانی که محقق‌کننده تکرار شیوه و تسلسل ایده‌های معماری گذشتگان با معماری امروز است، مورد توجه نگارندگان قرار گرفته است.

این پژوهش از حیث باخوانی و خوانش اولیه معماری ماقبل و الصاق هویت‌های کالبدی معماری معاصر، پژوهشی کاربردی و ضروری به شمار می‌رود. آنچه در ادبیات معاصر به تکرار مورد تأکید قرار گرفته، این است که معماری کیفیت‌گرای ایرانی، در تجربیات امروزی کاملاً فراموش شده و لزوم بازنگری بر نحوه کارکرد طراحی و بررسی فرایندها و دیدگاه‌های معماران پیشروی گذشته در این خصوص می‌تواند به‌عنوان چراغی روشن‌گر طراحان امروز قرار گیرد. از حیث سؤال پژوهش، نگارنده در تلاش است تا با دستیابی به روندی تحلیلی، سیر مداخله فضای تهی از معماری ایرانی را مورد توجه قرار داده و آن را در مجموعه ابنیه دارای ارزش و با کاربری مسکونی و اقامتی در دوران تحول جستجو کند. از این‌رو می‌توان سؤالات پژوهش را چنین برشمرد: فضای تهی در کیفیت فضاهای ساختمان‌های مسکونی و اقامتی معاصر ایران (دوران تحول) تا چه میزان مؤثر و در طراحی مورد توجه قرار گرفته است؟ تغییرات فضای تهی از اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی، در چه شرایطی و متأثر از چه مسائلی است؟

تخمین اولیه به‌عنوان فرضیه پژوهش حاضر چنین است که فضاهای خانه ایرانی در گذر دوران تحول، به‌واسطه متغیرهای مؤثر بر پردازش کمی و کیفی ابعاد خانه و حضور مسکن در بستر ساختاری شهری مدرن، روند طراحی متأثر پیشین خود را با شرایط جدید تطبیق داده و کیفیت‌های جدیدی در آرایش و کالبد

فضا و توده، عناصر پایه تشکیل‌دهنده یک معماری بوده که نسبت میان آن‌ها بر اساس ایده‌های معماری صورت می‌پذیرد. در ترجمان معماری نظام توده - فضا، ساختارهای کالبدی - ادراکی و کالبدی - عملکردی به وجود می‌آید که خود بن‌مایه معماری و مبادی تجلی مکان شناخته می‌شود. در این روند شاخصه‌های عملکرد، معنا و ساختار به‌عنوان شاخصه‌های اصلی ایده معماری و ویژگی‌های کالبدی، مفاهیم و مناسبات اجتماعی، به‌عنوان عناصر بنیادین مکان، کیفیت مکان معماری را موجب می‌شوند (فلاح و شهیدی، ۱۳۹۴، ۳۴ و ۳۵).

یافته‌ها

چنان‌که گفته شد، پژوهش پیش رو باهدف خوانش فضای کالبدی خانه‌های معاصر تهران، در گام نخست اقدام به انتخاب ۲۷ نمونه کرده است که در سه بخش قابل‌تفکیک‌اند. در بخش اول ساختمان‌های اواخر قاجار تا اوایل پهلوی، خانه‌های «حسین خداداد»، «ملک»، «مؤتمن‌الاطبا»، «علم‌السلطنه»، «ناصرالدین میرزا»، «نصیرالدوله»، «فخرالدوله»، «مشیرالدوله پیرنیا»، «صادق هدایت»، «قوام‌السلطنه» و «کوشک شقاقی»، در بخش دوم ساختمان‌های اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم، ویلاها و خانه‌های «خسروانی»، «ملک اصلانی»، «لقمان‌الملک»، «زند نوبی»، «تفضلی»، «دکتر مصدق»، «دکتر باهر»، «میردامادی» و «ابن سینا»، و در بخش سوم ساختمان‌های اوایل دوره پهلوی دوم تا اوایل دوره جمهوری اسلامی، ساختمان‌های «ویلا نمازی»، «خانه تناولی»، «ویلا وزرا»، «خانه شایان»، «ویلا زرتشت»، «ویلا کوه‌بر»، «خانه فرهنگ»، «خانه افشار» و «ویلا عالیخانی» مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. این بررسی بر پایه مستندات ارائه‌شده در پرونده‌های ثبتی ساختمان‌های موردبحث و همچنین تصاویری از بناها پیش از مرمت یا تخریب، صورت پذیرفته است.

در تحلیل آغازین نظام توده‌های ساختمانی و فضاهای تهی آن‌ها چنین دیده شد که ساختمان‌های این دوره، ابتدا در پلان، سپس در نما و درنهایت در نظام فضایی حجمی خود، میزبان فضاهایی با عملکرد و کالبد تهی شده‌اند (جدول ۱ تا ۳). نوع این توده‌ها در سه مرحله با سه نگاه پلان، نما و حجم دنبال می‌شود. به‌بیان دیگر، پردازش اولیه پلان‌های دوره آغازین (اواخر قاجار تا اوایل پهلوی)، کمک کرد تا پنج کیفیت کالبدی مختلف «توده فضای بسته»، «سبزینگی»، «فضای نیمه‌باز»، «فضای تقسیم» و «حوض آب» در ابنیه قابل تفکیک شود.

در ساختمان‌های دوره قاجار، سیر توجه به حیاط به‌مانند کوشک باغ‌های سنتی و یا حیاط مرکزی، متداول بود. با روند توسعه شهر این مهم در تراکم ساختمانی، این موضوع چنان‌که در جدول ۴ نمایش داده شده، به تعریف و تأکید بر ورودی، ایوان، مهتابی و

بوده که اجسام و رویدادها در آن هستند و یا اتفاق می‌افتند (عمید، ۱۳۹۰). افلاطون معتقد بود ماهیت فضا ثابت بوده و جسم نرمی است که در حضور اشیا به‌صورت‌های مختلف ظاهر می‌شود و هرگز صورتی شبیه به‌صورت اشیا نمی‌گیرد، زیرا هرگز تغییر ماهیت نمی‌دهد. ارسطو نیز اعتقاد داشت فضا مجموعه‌ای از مکان‌ها و بر هر چیزی مقدم است، به‌طوری‌که قابلیت پذیرش کمیت و کیفیت را دارد. نیوتن وجود فضا و زمان را مستقل از اجسام و حوادثی که در آن‌ها قرار دارند، تعریف می‌کند؛ از نظر نیوتن فضای مطلق و بدون ارتباط با هیچ امر خارجی، همواره ثابت و متشابه‌الاجزاست (برت، ۱۳۷۴).

فضای معماری به‌طور عام به‌فواصل میان مصالح ساختمانی اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد مأمنی برای فعالیت‌های انسانی است به‌طوری‌که گاه این فضا کیفیت‌های ویژه‌ای می‌یابد و اثر هنری شناخته می‌شود (فلاح و شهیدی، ۱۳۹۴، ۳۰).

از منظر مخاطب، موضوع فضا، در محدوده ادراکی و بصری در تضادی از عناصر مثبت و منفی قابل‌فهم می‌شود. عناصری که شکل‌دهنده صورت فضا هستند را مثبت و عناصری که زمینه آن‌ها را فراهم می‌کنند، عناصر منفی خطاب می‌کنند. در این فرایند عملکرد متقابل عناصر مثبت و منفی، درک و برداشت بصری را فراهم می‌سازد. ذکر این نکته اهمیت دارد که اشکال (عناصر مثبت) نمی‌توانند بدون وجود زمینه متضادی خود (عناصر منفی)، توجه ما را به خود جلب کنند و این موضوع گاه به‌قدری ترکیب می‌شود که روابط این دو نامشخص بوده و هویت‌های مختلفی به شکل هم‌زمان برای آن‌ها بیان می‌شود (چینگ، ۱۳۷۸، ۱۱۰). این موضوع با عناصر تعریف‌کننده فضا و خصوصیات فضایی همچون فرم، تناسبات، مقیاس، نور و ... پیچیدگی و ابهام بیشتری می‌یابد (همان، ۱۷۵) و زمینه‌شناسایی و نام‌گذاری آن‌ها را نسبت می‌بخشد.

فاصله میان کالبد به‌اندازه بخش‌های کالبدی نقش اساسی در آفرینش معماری دارد، چرا که این فواصل فضای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی را ایجاد می‌کند، بی‌شک میان بعد اجتماعی انسان و بعد فضایی رفتارهای وی رابطه نزدیکی وجود دارد (مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ۲۷).

مفهوم فضا یکی از مفاهیم بنیادی در معماری است. درباره این مفهوم معماران و اندیشمندان جهان معماری از دیرباز برداشت‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. معماری هنری است که بیان آن از طریق فضا اتفاق می‌افتد، به همین سبب جنبه صوری و عینی آن نیز، صفت‌های ویژه فضا را شامل می‌شود. همه صفت‌های ویژه فضا به طبیعت تعلق دارد و از قوانین عینی، طبیعی و فیزیکی تبعیت می‌کند. محتوا در معماری، عملکرد فضا است. عملکرد، تأثیر فضا بر انسان است. این جنبه (عملکرد) ذهنی بوده و به انسان تعلق دارد (معظمی، ۱۳۹۰، ۶۰).

کرده بودند، و در ادامه این موضوع با شکستگی در خط آسمان و بروز فضاهایی که تنوع کالبدی را میسر کند دنبال می‌شود. در ساختمان‌های دوره سوم (پهلوی دوم تا ابتدای دوره جمهوری)، معماران سعی در بروز دو ایده گذشته در احجام ساختمانی خود دارند. از این رو معماران به فضاهای باز، نیمه‌باز، نیمه‌بسته و بسته بسنده نمی‌کنند، و در روند طراحی، گویی مکعب‌های قاب‌گرفته و یا پنهان از حجم اصلی ساختمان کاسته و یا اضافه می‌شوند. همان‌گونه که در **جدول ۶** نیز به آن اشاره شده، در ساختمان‌های آغازین دوره سوم، این مهم در استمرار روند نما و پلان، شکل خود را تکوین می‌کند و در ادامه این شکل به‌نوعی فضاهایی همچون ایوان ستون‌دار، شکستگی‌های حجمی در بنا، قاب‌گرفتنی فضاهای تهی را در روند خود نمایش می‌دهد.

در این مرحله می‌توان چنین قلمداد کرد که با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده پیرامون ساختمان‌های مورد پژوهش، روند طراحی در سه حوزه زمانی ارائه می‌شود. این تقسیم‌بندی بازه‌های زمانی-تاریخی دقیق نیست بلکه به‌صورت عمومی تغییرات کالبدی فضای تهی در

تراس انجامید که در معماری سنتی نیز وجود داشت. عنصر حائز توجه در این دوره، به وجود آمدن فضاهایی بسته با عملکردهایی همچون لابی در پلان بوده است. ایجاد فضاهایی تحت عنوان لابی در پلان بناهای دوره دوم (اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم) ضمن ارتقا و تثبیت روش، در بخش نماهای ساختمانی نیز مورد تحلیل قرار گرفت. در ساختمان‌های دوره قبلی که عموماً ساختمان به‌صورت کوشکی یا حیاط مرکزی ساخته می‌شد، عنصری تحت عنوان نمای شهری یا نمای خیابان معنایی نداشت. بر این اساس در بررسی نماهای پروژه، اطلاعات توسعه‌یافته‌ای در **جدول ۵** با تأکید بر دو دوره بعدی ارائه می‌شود. در ساختمان‌های دوره اول پهلوی، به‌مرور، توجه ساختمانی به فضای معابر مشهود می‌شود. جبهه‌گیری ساختمان‌ها به جدارۀ شهری و ایجاد فضاهایی که قصد تماشای خیابان و یا بروز شکلی در بستر معبر را دارند به شکل مناسبی صورت می‌پذیرد. همان‌گونه که در **جدول ۵** نیز نمایانگر است، معماران ساختمان‌ها ابتدا این مسئله را با تراس از دوره دوم دنبال جدول ۱. تحلیل پلان نمونه‌های موردی اواخر قاجار تا اوایل پهلوی. مأخذ: نگارندگان.

نام خانه	پلان	نام خانه	پلان	نام خانه	پلان
خانه حسین خداداد (تهران، زعفرانیه)		خانه ناصرالدین میرزا (تهران، خیابان صوراسرافیل)		خانه صادق هدایت (تهران، خیابان سعدی)	
خانه ملک (تهران، بین مسجد امام و جامع)		خانه نصیرالدوله (تهران، خیابان امیرکبیر)		خانه قوام السلطنه (تهران، خیابان سی تیر)	
مؤتمن‌الاطبا (تهران، میدان بهارستان)		خانه فخرالدوله (تهران، چهارراه فخرآباد)		کوشک شقاقی (تهران، خیابان فردوسی)	
عمارت اعلم السلطنه (تهران، خیابان حافظ)		خانه مشیرالدوله پیرنیا (تهران، خیابان لاله‌زار)			

توده فضای بسته ● سبزی‌نگی ● فضای نیمه‌باز ● فضای تقسیم ● حوض آب ●

جدول ۲. تحلیل پلان نمونه‌های موردی اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم. مأخذ: نگارندگان بر اساس مشاهده اسناد.

نام خانه	پلان	نام خانه	پلان	نام خانه	پلان
خانه خسروانی (تهران، انقلاب)		خانه تفضلی (تهران، خیابان طالقانی)		خانه ابن سینا (تهران، خیابان قدس)	
ملک اصلاتی (تهران، خیابان انقلاب)		خانه دکتر مصدق (تهران، خیابان طالقانی)		خانه لقمان الملک (تهران، خیابان ولیعصر)	
خانه زند نوایی (تهران، میدان فلسطین)		خانه میردامادی (تهران، خیابان طالقانی)		خانه دکتر باهر (تهران، بلوار کشاورز)	

● توده فضای بسته ● سبزی‌نگی ● فضای نیمه‌باز ● فضای تقسیم ● حوض آب

دوره دوم اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم: در این دوره و بعد از ورود معماران خارجی تحصیل کرده، تفکرات نوینی به سیستم طراحی ورود پیدا کرد. از دلایل اصلی ورود این تفکرات نوپا می‌توان به تأسیس دانشگاه تهران و الگوگیری و جهت‌بخشی این نوع آموزش که خود نسخه‌ای از آموزش معماری در بوزار فرانسه بود (اعتصام، ۱۳۸۷، ۲۱؛ حجت، ۱۳۸۷، ۷۶) و همچنین بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه یاد کرد که خود موجبات افزایش ساخت‌وساز در شهرها و کوچک‌تر شدن عرصه‌های مالکیتی مسکونی، بیشتر شدن تعداد ساختمان‌های دواشکوبه و سه‌اشکوبه، چسبندگی توده به جبهه‌ای از عرصه و تغییر الگوی حیاط مرکزی یا گوشک در اکثر پروژه‌های مسکونی را فراهم آورد و در نهایت در اواخر دوره مذکور شاهد ظهور نما

ساختمان‌های مسکونی مدنظر است و حالت کلی بررسی توده و فضا مساوی با حیاط و ساختمان تلقی خواهد شد و هم‌زمان ایوان، تراس، قاب‌های فضایی و پر و خالی‌های حجمی نیز مدنظر خواهد بود (جدول ۷).

دوره اول اواخر قاجاریه تا اوایل پهلوی: در این دوره حیاط مرکزی همچنان بخش بزرگی از بناها را تشکیل می‌دهد و حضور ایوان نیز در کالبد بنا محسوس است. از دلایل این امر می‌توان به ارزان بودن زمین، جمعیت کم و تفکر سنتی حاکم بر جامعه اشاره کرد که در نهایت به درون‌گرایی بیشتر بناها منجر می‌شده است. به‌مرور و با ارائه نقشه‌هایی مشابه از کشورهای خارجی تفکیک ورودی و لابی در بنا را با استفاده از دستگاه پله شاهد هستیم (قبادیان، ۱۳۸۲، ۲۴۰ و ۲۴۱).

جدول ۳. تحلیل پلان نمونه‌های موردی اوایل پهلوی دوم تا اوایل دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

نام خانه	پلان	نام خانه	پلان
ویلای نمازی (تهران، نیاوران)		خانه فرهنگ (تهران، محل اختیاریه)	
خانه تناولی (تهران، محله دزاشیب)		خانه افشار (تهران، محله زعفرانیه)	
خانه شایان (تهران، خیابان سهروردی)		ویلای عالیخانی (تهران، کامرانیه)	
ویلای کوهبر (تهران، خیابان الهیه)			

● توده فضای بسته ● سبزیگی ● فضای نیمه‌باز ● فضای تقسیم ● حوض آب

این پروژه‌ها دیگر با مکعب‌های کامل به‌عنوان توده مواجه نبوده و از یک حجم صلب کامل فضایی خالی شد تا نیازهایی مانند بازشوها، فضاهای ارتباطی عمودی و افقی، نورگیرها، پارکینگ‌ها، قاب‌بندی‌های فضایی و ... پاسخ داده شود و درنهایت می‌توان از پر و خالی‌های ظهوریافته در جداره‌های بناها به‌عنوان عناصر زیبایی‌شناختی خوانش فضا یاد کرد (صارمی، ۱۳۸۹، ۱۷۸). این موارد عواملی همچون پله‌های مونومانی، کنسول‌ها و طره‌های آزاد، بازشوها و ترکیب‌بندی‌های متعدد فضایی را شامل می‌شود. از سوی دیگر امروزه به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی فضای تهی و حیاط به‌عنوان نماینده اصلی آن یا به‌کلی از دست رفته یا اگر هم در پروژه‌ها قابل‌یافت باشند ماهیت اصلی و عملکردی خود را از دست داده‌اند و بیشتر از روی ناچاری و ضوابط کم‌اثر شهرداری تولید می‌شوند و به‌دلیل عدم توجه به کارکردهای ذاتی آن در طراحی بیشتر به فضاهای درجه دوم و سوم تبدیل شده‌اند که ارزشی برای مالکین ندارند.

بحث

چنان‌که گفته شد، فضای تهی در معماری دوران تحول از موجودیت دوباره در پلان آغاز و در اواخر این دوره پس از تأثیرگذاری بر نمای ساختمان، حجم ساختمان‌های مسکونی

و بازشوها و تراس در عرصه شهری هستیم (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰، ۱۶۲؛ کیانی، ۱۳۸۳، ۲۸۲). این امر بنا به‌جانبی پروژه در عرصه شهری شرایط جدیدی را برای طراحی موردبررسی قرار می‌دهد.

اوایل پهلوی دوم تا اوایل جمهوری اسلامی: تا قبل از این دوره بیشتر تغییرات چینش توده و فضا بر روی عرصه و جابجایی کلیت کالبدی اتفاق می‌افتاد. اما در این دوره با تولید ضوابط ساختمان‌سازی از یک‌سو و ورود مهندسين مشاور و معماران تحصیل‌کرده ایرانی و تلاش برای بالندگی و ارائه هر چه بیشتر پروژه‌های مسکونی کوشش‌های جدیدی انجام شد و باعث شکل‌گیری نسل جدید و کامل‌تری از ترکیب توده و فضا در کالبد بیرونی و فضای داخلی پروژه‌های مسکونی شد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۳۳۶).

در این دوره تنها با تغییرات کالبدی توده و فضا در عرصه برخورد نمی‌کنیم، بلکه به فضای تهی به‌مثابه عنصر زیبایی‌شناختی و پاسخ‌دهنده به نیاز خاصی نگاه می‌شود. همچنین پیشرفت سیستم‌های ساخت‌وساز در این دوره به نحوی بود که در پروژه‌های شاخص این نسل می‌توان ادعا کرد که ساختارهای نظام‌مند پدیدآمده باعث شد تا دیگر تفکیک توده و فضا و کالبد پر و خالی از یکدیگر کار آسانی نباشد (حجت، ۱۳۸۵، ۱۰۴).

جدول ۴. سیر تحول پلان‌های خانه‌های اواخر دوره قاجار تا اوایل دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

نام خانه	ترکیب توده و حیاط	تعریف ورودی و پیشخوان مشهود	ایوان، مهتابی و تراس	لابی و فضای تهی بسته
اواخر قاجار تا اوایل پهلوی اول	*	*	*	*
			*	
			*	
			*	
			*	*
	*	*	*	*
	*	*	*	*
اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم	*	*	*	
		*	*	
		*	*	
		*	*	
		*	*	
		*	*	
		*	*	
اوایل پهلوی دوم تا اوایل جمهوری اسلامی	*	*	*	*
	*	*	*	*
	*	*	*	*
	*	*	*	*
	*	*	*	*
	*	*	*	*
	*	*	*	*

ساختمان به سمت خیابان مؤثرترین نقش در بازی خطوط و میزبانی نما برای حضور کالبد تهی است. آنچه در تغییرات خط آسمان و به‌کارگیری بازشوهای مشهود بر جبهه‌های بیرونی ساختمان‌ها می‌بینیم، هرچند در معماری سنتی نیز، نمودهایی جزئی داشت، لیکن این روند در آن معماری، معطوف به معماری اربابان و شاخصین در قلمروهای مسکونی بود و به همه تعلق نمی‌گرفت. اما در معماری این دوره، شاهد نوعی همگانی‌شدن و به‌اشتراک‌گذاری این تجربیات زندگی در فضای سکونت‌آیم. در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری روند دخالت‌دهی فضای تهی و خلق تجربیات شهری و زندگی در فضای باز و بسته معماری دوران تحول، مصادیق و تشویق‌های مشهودی در معماری ابنیه

را نیز تغییر داد. همچنین دریافتیم که عموم نقش‌آفرینی‌های فضای تهی در پلان‌های دوره اواخر قاجار تا اوایل دوره پهلوی در نمودهای فضایی قدیمی، نمایان شده بود. اگرچه ایوان، ورودی، مهتابی، حیاط (اندرونی و بیرونی)، پیش‌ازاین نیز در معماری خانه‌های سنتی مشهود و قابل توجه بود، در این دوره به سبب روند توسعه و ساخت‌وساز حاکم بر جامعه رونق خود را از دست داد. در این راستا علاوه بر استفاده از موارد فوق، بهره‌گیری از فضاهای تهی در مرکزیت فضاهای بسته را نیز به‌وفور می‌یابیم. در اواسط دوره پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم، سیر توجه به فضاهای تهی رفته‌رفته روی نما نیز دیده می‌شود. در نگاه معماران به استفاده از فضای تهی، این بار، جبهه‌گیری بیشتر

جدول ۵. سیر تحول نماهای شهری خانه‌های اوایل دوره پهلوی اول تا اوایل جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

نام خانه	پلکان بیرونی	تراس	نظرگاه شهری	پیشخوان مشهود	شکستگی در خط آسمان	پنجره به خیابان	توسعه توده به فضای باز	برخورداری از پیش آمدگی به سمت خیابان	ایجاد ورودی دوم
اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم	خسروانی	*	*	*					
	ملک اصلانی	*	*	*					
	لقمان‌الملک	*	*	*			*		
	زند نوابی	*	*	*			*		
	تفضلی	*	*	*	*	*	*	*	*
	دکتر مصدق	*	*	*	*	*	*	*	*
	دکتر باهر	*	*	*	*	*	*	*	*
	میردامادی	*	*	*	*	*	*	*	*
	ابن سینا	*	*	*	*	*	*	*	*
	ویلای نمازی	*	*	*	*	*	*	*	*
اوایل پهلوی دوم تا اوایل جمهوری اسلامی	خانه تناولی	*	*	*	*	*	*	*	*
	ویلای وزرا	*	*	*	*	*	*	*	*
	خانه شایان	*	*	*	*	*	*	*	*
	ویلای زرتشت	*	*	*	*	*	*	*	*
	ویلای کوهبر	*	*	*	*	*	*	*	*
	خانه فرهنگ	*	*	*	*	*	*	*	*
	خانه افشار	*	*	*	*	*	*	*	*
	ویلای عالیخانی	*	*	*	*	*	*	*	*

جدول ۶. سیر تحول احجام خانه‌های دوره اوایل پهلوی اول تا اوایل دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

نام خانه	ایجاد فضای تهی در نما	عقب‌رفتگی حجمی	بازی توده با پیش آمدگی	قاب‌گرفتن فضای تهی	زمینه‌گرایی نسبت به سایت	طره‌ای شدن اجزای ساختمان
اوایل پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم	خسروانی	*	*	*		
	ملک اصلانی	*	*	*		
	لقمان‌الملک	*	*	*		
	زند نوابی	*	*	*		
	تفضلی	*	*	*	*	*
	دکتر مصدق	*	*	*	*	*
	دکتر باهر	*	*	*	*	*
	میردامادی	*	*	*	*	*
	ابن سینا	*	*	*	*	*
	ویلای نمازی	*	*	*	*	*
اوایل پهلوی دوم تا اوایل جمهوری اسلامی	خانه تناولی	*	*	*	*	*
	ویلای وزرا	*	*	*	*	*
	خانه شایان	*	*	*	*	*
	ویلای زرتشت	*	*	*	*	*
	ویلای کوهبر	*	*	*	*	*
	خانه فرهنگ	*	*	*	*	*
	خانه افشار	*	*	*	*	*
	ویلای عالیخانی	*	*	*	*	*

جدول ۷. روند تغییرات توده و فضا در عرصه مسکونی شهر تهران. مأخذ: فدایی مهربانی، مهاجری و عسگری، ۱۴۰۰.

عوامل تأثیرگذار	نتایج
<ul style="list-style-type: none"> - ارزش زمین - جمعیت کم - تفکر سنتی حاکم - نبود معمارهای تحصیل کرده - ضعف سیستم ساخت 	<ul style="list-style-type: none"> - بزرگ مقیاس بودن اراضی (عرصه‌های مسکونی) - درون‌گرایی مسکن (کالبد و توده) - کم‌ارتفاع بودن ساختمان‌ها - ادامه‌دهنده طراحی سنت در قاجاریه
<ul style="list-style-type: none"> - ورود معماران تحصیل کرده - اروپایی - تأسیس دانشگاه تهران - شروع تفکر مدرنیته - ارزش یافتن معنای زمین - بهبود شرایط اقتصادی و امنیت اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - تزریق تفکرات نوین به سیستم طراحی - تربیت معماران دانشگاهی - تغییرات ساختاری در ترکیب‌بندی فضایی کالبد یک معماری - کوچک‌شدن قطعات و تغییر در جانمایی پروژه در سایت - افزایش ساخت‌وساز در شهرها
<ul style="list-style-type: none"> - تولید ضوابط ساختمان‌سازی - پیشرفت سیستم‌های ساخت‌وساز - تأسیس مهندسين مشاور - افزایش تعداد معماران تحصیل کرده - افزایش قیمت نفت و بهبود شرایط اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> - بیرون‌شدن - استفاده از طره (کنسول) و آزادی عمل در طراحی - تنوع سیستم‌های ساخت و طراحی متنوع بناها - رشد حداکثری ساخت‌وساز در مناطق مختلف شهر
<ul style="list-style-type: none"> - اولای دوره پهلوی دوم تا دوره جمهوری اسلامی 	

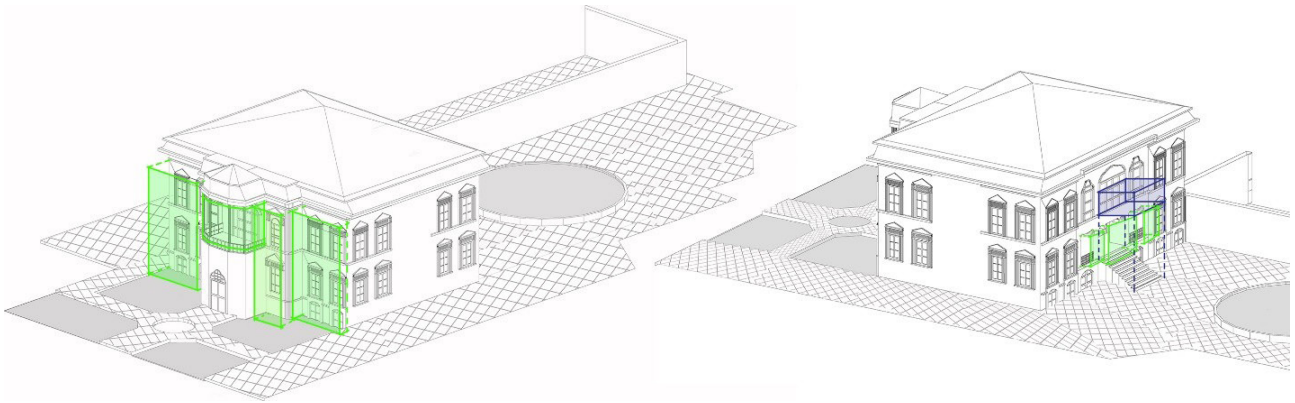
ساختمان‌هایی از میان نمونه‌های آغازین، به‌عنوان نمونه منتخب، در این بخش مورد تحلیل مجدد قرار می‌گیرد. بنا بر دسته‌بندی فضاهای تهی، سه شاخصه در معرفی بناهای موردتحقیق به کار گرفته شده است که در تصاویر و مدل‌سازی‌های ارائه‌شده با رنگ‌های مختلف بیان می‌شوند. رنگ سبز در تصاویر، اشاره به ارتباط توده با فضای مجاور از طریق فضای تهی در طراحی داشته که از نظر ذاتی مشرف به فضای مالک بوده و ارتباطی با فضای شهری ندارد. رنگ آبی معرف بیرون‌زدگی‌های طراحی و توسعه توده برای ترکیب با فضای بیرونی است و در نهایت رنگ قرمز، معرف ارتباط ذهنی و عینی با فضای شهری و توسعه بیرونی ساختمان خواهد بود.

دوره ابتدایی: در بررسی نمونه‌های منتخب از بین مجموعه بناهای مسکونی انتخاب‌شده دوره ابتدایی (اواخر قاجار تا اواسط دوره پهلوی اول)، خانه مشیرالدوله پیرنیا و خانه صادق هدایت به دلیل تنوع بیشتر فضاهای تهی و همچنین تأخر زمانی در دوره، مورد بحث مجدد قرار می‌گیرند. همان‌گونه که در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، ارتباط توده و فضای ساختمان مشیرالدوله، در

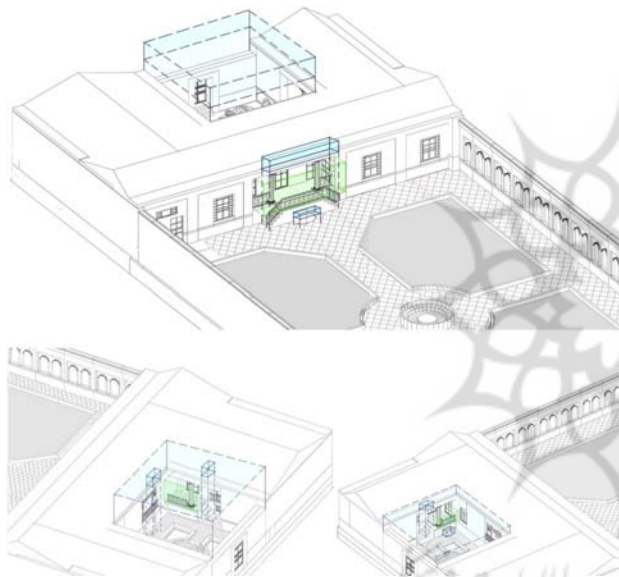
ملاحظه شده است. به این شکل که در معماری محلات مستعد وجود این ابنیه، این روند در سایر بناها نیز تشدید شده و به اشتراک اندیشه تبدیل شده است.

دخالت اندیشه‌ها با روند روبه‌جلوی جزئیات ساختمانی و بازگذاشتن دست‌های معماران در استفاده از جسارت‌های سازه‌ای، به جایی انجامید که حجم درروندی توسعه‌پذیر، قصد ترکیب با فضای تهی پیرامونی خود را دارد. به‌نوعی تولد فضای تهی که در دوران تحول در درون فضاهای محافظه‌کار هم‌تراز شکل گرفته بود، در انتهای دوران پهلوی دوم، به ترکیبی متوازن و غیرقابل تفکیک می‌رسد که تصور می‌شود، اگر ادامه می‌یافت، می‌توانست به جداسدن‌ها و تغییر نگرش به ماهیت برخی فضاها برسد. به‌نوعی که در ورودی این فضا از یک بستر محدود در جداره در این بازه زمانی، به مساحتی از پروژه و ارتفاعی از آسمان بدل شده که صرف‌نظر از ماهیت نرم خود، میزبان فضاهای نوظهور دیگری است که تنها، رسالت عملکردی ندارند.

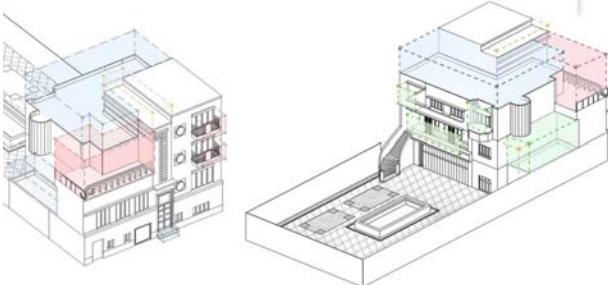
در این راستا در این بخش، پژوهش حاضر سعی دارد تا به اثبات فرضیه در بررسی بناهای موردتحقیق بپردازد. از این‌رو



تصویر ۲. بررسی کالبدی فضای تهی در ساختمان خانه مشیرالدوله پیرنیا - دوره ابتدایی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. بررسی کالبدی فضای تهی در ساختمان خانه صادق هدایت - دوره ابتدایی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. بررسی کالبدی فضای تهی در ساختمان خانه وارطان - دوره میانی. مأخذ: نگارندگان.

ایجاد کرده که تعامل مناسبی با تغییرات محقق شده با فضای باز دارد (رنگ آبی). در جبهه شهری نیز، بسترسازی نظرگاه تراس ساختمان و پهلوگیری نسبت به ورودی ساختمان (رنگ قرمز)

سطح یک، یعنی ارتباط با فضای حیاط دسته‌بندی می‌شود. به همین خاطر در تصویر این تجربه طراحی را بارنگ سبز، مشخص می‌کنیم. در سطح دوم، خانه مورد بحث، تنها به کمک پیشخوان و پلکان، توانسته توسعه فضای توده را به جهت بیرون داشته باشد تا تعاملات توده و فضای تهی ارتقای کالبدی بیابد.

در ادامه به بررسی خانه صادق هدایت می‌پردازیم، همان‌گونه که در تصویر مشخص است بدنه فضایی خانه هدایت به دلیل ارتباط مؤثر حیاط مرکزی آغازین با جداری ساختمان و وجود ایوان و مهتابی‌های ایجاد شده جهت دسترسی به اضلاع پیرامونی، نسبت به ساختمان مشیرالدوله، دارای ارتقای مشهودی در بحث تعامل توده و فضای تهی است. در واقع می‌توان چنین تصور کرد که خانه با بهانه پیشخوان و ورودی، مرز توده‌ای خود را بسط داده است.

از این‌رو در تحلیل تصویری ساختمان هدایت (تصویر ۳) می‌توان ارتباط توده با فضای پیرامونی و تهی را علاوه بر سطح یک (رنگ سبز)، به سطح دوم (رنگ آبی) نیز نزدیک دانست. یعنی خانه توانسته بستر پیرامونی خود را در محورهای مختلف تحت الشعاع قرار دهد. لیکن این مهم که نوع پردازش رنگ آبی در کلیت طرح یکسان پیش رفته، بدیهی و غیر قابل چشم‌پوشی است.

دوره میانی: در بررسی نمونه‌های منتخب از بین مجموعه بناهای مسکونی انتخاب شده دوره میانی (اواسط پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم)، خانه تفضلی طراحی وارطان هوانسیان و خانه ابن سینا طراحی پل آبکار به دلیل تنوع بیشتر فضاهای تهی و مجدداً تأخر زمانی در دوره مورد بحث، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در بحث رنگ‌گذاری توده ساختمان وارطان (تصویر ۴) می‌توان بیان کرد که این خانه شروعی بر سطح سه در ترکیب توده و فضای تهی است. بنا به‌مانند خانه‌های دوره ابتدایی، به کمک بازشوها و فاصله‌گرفتن بنا از جداری پیرامونی، سطح اول فضای تهی (رنگ سبز) را تجربه می‌کند. در بخش بام ساختمان، عدم ساخت کل طبقه پایانی، بستری را برای حضور روی بام در این ساختمان

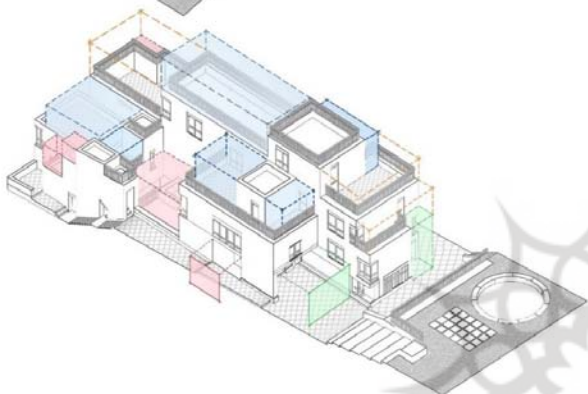
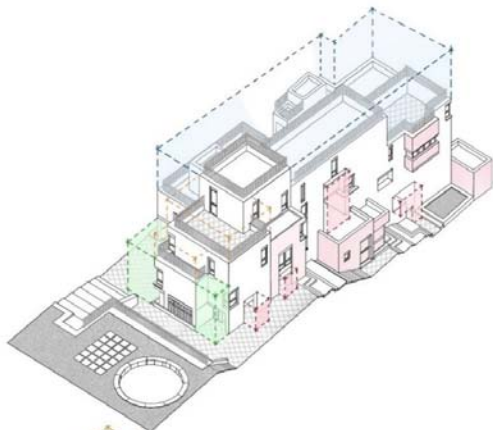
این امکان را میسر ساخته تا ساختمان، شهر را به‌مانند فضایی در تملک خود در آورد.

بنای ساختمان ابن سینا (تصویر ۵) از منظر بهره‌گیری از فضای تهی، به‌مانند ساختمان وارطان، نمونه هم‌دوره خود، مستعد بستردهی نما و بهره‌گیری از طرح عناصر جدیدی همچون استخر در فضا دهی حیاط است. این مهم در جداره ساختمان با تراس به سمت حیاط، نظرگاه شهری مختصری به‌سوی خیابان، شکستگی در خط آسمان و طرح بازشوهای خاص به سمت خیابان به توسعه توده در فضای باز کمک کرده است.

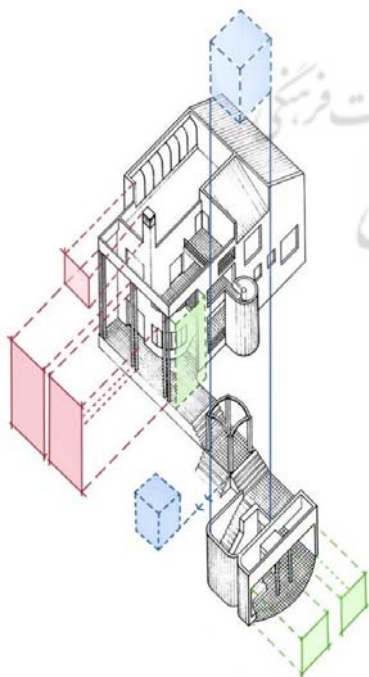
دوره پایانی: در بررسی نمونه‌های منتخب از بین مجموعه بناهای مسکونی انتخاب‌شده دوره پایانی (اوایل پهلوی دوم تا اوایل جمهوری اسلامی)، خانه کوهر طراحی مهدی علیزاده سقطی و خانه افشار طراحی مرحوم سید علی اکبر صارمی به دلیل تنوع بیشتر فضاهای تهی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، ارتباط توده و فضای ساختمان کوهر (تصویر ۶)، در هر سه سطح در اوج اختلاط و پراکندگی است. این ویژگی در سطح یک (رنگ سبز) به دلیل پیش‌آمدگی ساختمان در حیاط کیفیتی بالاتر از سطح یک در ساختمان‌های قبلی دارد. در سطح دوم (رنگ آبی) یعنی کندوکاو حجم کلی جهت تعامل توده و فضای تهی، این بار تنها به بام ساختمان به‌مانند ساختمان وارطان و یا ساختمان ابن سینا ختم نمی‌شود. در سطح سوم (رنگ قرمز) نیز، ساختمان با پهلوگیری نسبت به ساختمان مجاور به‌مانند ساختمان ابن سینا، بدنه‌ای پویا یافته که تعامل آن با گذر، به‌مانند شهر در بدنه‌ای شیب‌دار برای ساختمان عمل می‌کند.

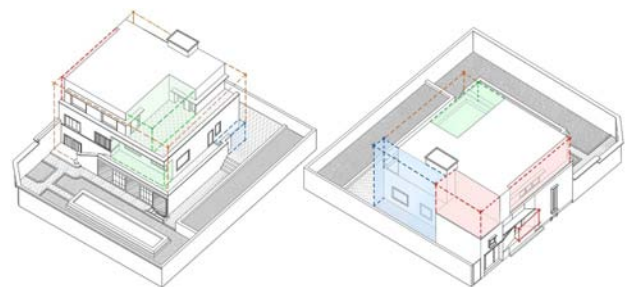
همان‌گونه که در تصویر ۷ مشاهده می‌شود، ارتقای سطوح دسته‌بندی‌شده فضای تهی در ساختمان افشار به‌مانند ساختمان کوهر رخ داده است. لیکن تردستی استادانه معمار باعث شده، تعامل این سه سطح را نیز در بدنه ساختمان شاهد باشیم. به‌نوعی که با ارتقای محل قرارگیری توده و توجیه سیالیت طرح، معمار زاویه‌های جدیدی در برخورد با محیط پیرامون خود خلق نموده است.



تصویر ۶. بررسی کالبدی فضای تهی در ساختمان خانه کوهر - دوره پایانی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. بررسی کالبدی فضای تهی در ساختمان خانه افشار - دوره پایانی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. بررسی کالبدی فضای تهی در ساختمان خانه تقاطع خیابان ابن سینا - دوره میانی. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

کیفیت‌بخشی به فضای کالبدی در معماری فضاگرا و کالبدگرای ایرانی، مسئله‌ای پیوسته مورد توجه در معماری سنتی ایران است. به‌صورتی که نمی‌توان این مهم را در زیبایی یا عملکرد تعریف‌شده معماری مدرن محدود کرد. در موضوعیت معماری فضای تهی نیز، هدف غایی معماری ایرانی را می‌توان غنای بیشتر حواس کیفی مخاطب دانست.

بدنه معماری ساختمان‌های مسکونی ابنیه سنتی ایران، همواره تنوع گسترده‌ای از نقش‌آفرینی فضاهای متصل، پیوسته و انعطاف‌پذیر بوده است و فضای تهی در این حوزه‌بندی فضایی، حسی لازم جهت اتصال معانی و فضایی در بدنه معماری است که با ترکیب مشهود با کالبدهای مجاور امکان ارتباط و توسعه درونی و بیرونی را می‌دهد.

درنهایت با بررسی و تحلیل‌های صورت‌گرفته بر نمونه‌های موردی انتخاب‌شده به‌درستی فرضیه این تحقیق یعنی ارتقا و نقش‌پذیری فضای تهی در معماری دوران تحول دست می‌یابیم (جدول ۸). ماهیت این موضوع در ابتدا با توجه به برخورداری از ارتباط با فضای پیرامونی و بازشوهای بیشتر نسبت به دوران قبل از قاجار واضح‌تر می‌شود. در ادامه در دوره دوم، با تغییر خط آسمان بنا و ورود به فضای شهری به‌واسطه نما، پویایی بیشتری را در جداره خارجی مشاهده می‌کنیم. درنهایت در جدول ۸، سیر تحول فضاهای تهی در معماری دوران تحول، مأخذ: نگارندگان.

دوران انتهایی، شاهد بیشترین ارتباط میان توده و فضای تهی، از طریق تقسیم فضاهای تهی در داخل حجم اصلی و یا بخش توده و سیالیت حجم در اطراف هستیم که منجر به ایجاد ترکیب سه‌بعدی فاخری می‌شود که از نظر نوع پردازش، دارای پیوستگی خلاقانه‌ای نسبت به نمونه‌های متأخر خود است.

همان‌گونه که گذشت، پژوهش حاضر سعی بر معرفی فضای تهی در بدنه مسکونی معماری اواخر دوره قاجار تا اوایل دوره جمهوری اسلامی داشته است. در این راستا، دستیابی به گونه‌های فضای تهی از حیث طبقه‌بندی نمونه‌هایی در بدنه معماری این دوره تاریخی، تا حدودی محقق شد، لیکن بازنگری نمونه‌های موردی از حیث موقعیت مکانی بر آرای زمانی افزوده و می‌تواند متغیرهای مختلف دیگری بر بازشناسی‌های مجدد بر این مهم اضافه کند. فضای تهی در خلال بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش تا اوایل دوره جمهوری اسلامی جستجو شد. لیکن تبعات جنگ تحمیلی و شرایط دهه اول پس از انقلاب نمایانگر نوعی زندگی به‌شرط زنده‌ماندن است که علی‌رغم تجربیات تلخ درونی خود، معماری‌شناسی بر پایه اسناد و تاریخ شفاهی خود را می‌طلبد که بدون شک بخشی از تاریخ بوده و ثبت آن ضرورت دارد.

پس از دوره گفته‌شده، معماری و توجه به فضای تهی، مجدداً در روند اختلاطی از آرای متأثر از هنرآموزان معماری پیش و پس از انقلاب اسلامی، دنبال می‌شود و این موضوع می‌تواند

سطح اول	سطح دوم	سطح سوم
مشیرالدوله	توسعه پیشخوان	سطح سوم
صادق هدایت	تعدد فضاهای نیمه‌باز	
تفضلی	فضای تهی در ارتفاع و کاهش حجم	پیرایش نمای ساختمان
ابن سینا	پهلویی جهت خلق نما و پیشروی در خیابان	به‌کارگیری فضاهای نیمه‌باز در ارتفاع
ویلی کوهبر	پر و خالی شدن پهلوه‌های ساختمان با بهانه شیب زمین	توسعه مفهوم فضای عمومی و ارتباط شهری
خانه افشار	ترکیب سطوح تعریف‌شده در سیالیت توده و فضای تهی	

- اعتصام، ایرج. (۱۳۸۷). گفتگو با ایرج اعتصام: تکنولوژی در کنار آموزش سنتی. معماری و فرهنگ، ۱۰ (۳۲)، ۱۸-۲۲.
- اعرابی، جعفر. (۱۳۹۷). آفرینش فرم. مشهد: کتابکده کسری.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته). تهران: هنر و معماری قرن.
- برت، ادوین آرثر. (۱۳۷۴). مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین (ترجمه عبدالکریم سروش). تهران: علمی و فرهنگی.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی. مطالعات هنر اسلامی، ۷ (۱۳)، ۵۵-۶۸.
- چینگ، فرانسیس دی. کی. (۱۳۷۸). معماری، فرم، فضا و نظم

پژوهش‌های دیگری را در تبارشناسی‌های گونه‌های موجود و تحلیل روند طراحی هر یک در برگیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Georg Wilhelm Friedrich Hegel
۲. جهت مطالعه جامع‌تر اسناد و مدارک نمونه‌های سطح اول، پیشنهاد می‌شود به پیوست پایان نامه نگارنده دوم در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام، مراجعه شود.

فهرست منابع

- آرنه‌ایم، رودولف. (۱۳۸۸). پویه‌شناسی صور معماری (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: سمت.

- ترجمه زهره قراگزلو). تهران: دانشگاه تهران.
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). نقش فضا در معماری ایران: هفت گفتار درباره زبان و توان معماری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - حجت، مهدی. (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - حجت، مهدی. (۱۳۸۷). گفتگو با مهدی حجت: جنبه‌های انسانی معماری. فرهنگ و معماری، ۱۰(۲۲)، ۷۶-۷۷.
 - صادقی پی، ناهید. (۱۳۸۹). تأملی در معماری سنتی. صفة، ۱۸(۴۸)، ۱۶-۷.
 - صادقی، سارا؛ اخلاصی، احمد و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۷). بررسی نقش زیبایی‌شناسی معماری در خانه‌های ایرانی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴(۲۱)، ۳-۱۶.
 - صارمی، علی اکبر. (۱۳۸۹). تار و پود هنوز: سرگذشت من و معماری من. تهران: هنر معماری قرن.
 - ظفرنویایی، خسرو. (۱۳۹۶). بررسی مفهوم عرفانی «فضای تهی» در معماری اسلامی-ایرانی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۳(۲۷)، ۵۷-۷۴.
 - عسگری، علی و محمدی سالک، مریم. (۱۴۰۰). سنجش انگاره‌های قیاسی از منطق روش‌شناسی در الگوگیری‌های تاریخی معماری معاصر ایران. معماری، مرمت و شهرسازی رف، ۱۱(۱)، ۱۹-۳۸.
 - عمید، حسن. (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
 - فدایی مهربانی، وحید؛ مهاجری، سروش و عسگری، علی. (۱۴۰۰). بررسی مفهوم فضای تهی در معماری خانه‌های تهران در دوران تحول. پنجمین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت شهری، تغلیس: سازمان بین‌الملل مطالعات دانشگاهی.
 - فلاحت، محمدصادق و شهیدی، صمد. (۱۳۹۴). نقش مفهوم توده - فضا در تبیین مکان معماری. باغ نظر، ۱۲(۳۵)، ۲۷-۳۸.
 - قبادیان، وحید. (۱۳۸۲). معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و
- تجدد در معماری معاصر ایران). تهران: پشتون.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: نشر علم معمار.
 - قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۳). تحقیق تفسیری تاریخی در معماری. صفة، ۱۴(۳-۴)، ۶۷-۱۰۱.
 - کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 - لازیو، پل. (۱۳۸۸). تفکر ترسیمی برای معماران و طراحان (ترجمه سعید آقایی). تهران: گنج هنر و پرهام نقش.
 - مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۹۰). میراث معماری مدرن ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی. (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری.
 - معظمی، منوچهر. (۱۳۹۰). تلقی استاد از فضا و تأثیر آن بر آموزش معماری. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳(۴)، ۵۷-۶۸.
 - مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید و هادیان‌پور، محمد. (۱۳۹۳). نقش حیاط در معماری معاصر ایران؛ مطالعه موردی: دوره‌های قاجار و پهلوی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۴(۱۵)، ۳۵-۴۵.
 - میلر، سام اف. (۱۳۸۷). روند طراحی (ترجمه محمد احمدی‌نژاد و مهرنوش فخارزاده). تهران: خاک.
 - وینترز، ادوارد. (۱۳۹۶). زیباشناسی و معماری (ترجمه عبدالله سالاروند). تهران: جهان.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 عسگری، علی؛ فدایی مهربانی، وحید و فتحی و راضیه. (۱۴۰۱). سیر بالندگی و رشد فضای تهی در کالبدشناسی معماری خانه‌های تهران (اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی). مجله هنر و تمدن شرق، ۱۰(۳۸)، ۴۱-۵۴.

DOI:10.22034/JACO.2022.366244.1268
 URL: http://www.jaco-sj.com/article_163847.html

